

Sociological Study of the Interventionist Role of Social Capital in Influencing the Perception of the Right to the City Through Good Governance (Case study: People Aged 20 and Above Among Old Citizens of Maku City)¹

Ebrahim Hossein Pour Rendy

PhD Candidate in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Mohammad Abbas Zadeh²

Professor in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Mohammad Bagher Alizadeh Aghdam

Professor in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran

Safar Hayati

Assistant Professor in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran

Received: 1 October 2024

Revised: 15 November 2024

Accepted: 18 November 2024

Abstract

The concept of the right to the city proposed by French sociologist and philosopher, Henri Lefebvre (1968), addresses the adverse impact of capitalist economies on urban areas. According to this theory, the city has become a commodity exploited solely for capital accumulation. To counter this trend, Lefebvre posits that urban residents need to have access to indicators such as spatial justice, social inclusion, urban participation, and urban belonging, among other things. This study looks into the perception of the right to the city among the residents of Maku. The research method is a survey and the statistical population includes all citizens over 20 years of age living in Maku (n=33,328 people), of which 500 people were selected by the Cochran sample size formula using a multi-stage cluster sampling method, and based on the variance obtained from a pre-test of 50 respondents. In

1. This paper is extracted from PhD dissertation defended at Tabriz University, Tabriz, Iran.

2. Corresponding author. Email: m.abbaszadeh2014@gmail.com



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Hossein Pour Rendy, E. , Abbas Zadeh, M. , Alizadeh Aghdam, M. B. and Hayati, S. (2024). Sociological Study of the Interventionist Role of Social Capital in Influencing the Perception of the Right to the City Through Good Governance (Case study: People Aged 20 and Above Among Old Citizens of Maku City). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(4), 273-299. doi: 10.22067/social.2024.90065.1564

testing the research hypotheses, a significant relationship was observed between the variables of social capital and good urban governance. Path analysis was employed to estimate the direct, indirect, and general effects of independent variables on the perception of the right to the city. The results suggest that good governance influences the perception of the right to the city either directly (56%) or indirectly through social capital (13%). Social capital can also directly affect this perception (25%). The overall findings demonstrate that good governance has a bearing on the perception of the right to the city (69%). The remaining variables in the regression model can explain 53% of the variance in the perception of the right to the city. The final analysis suggests that emphasizing and strengthening good urban governance and social capital variables within the urban social space could contribute to the growth and development of the principles and indicators of the right to the city.

Keywords: Perception of the Right to the City, Social Capital, Good Urban Governance, Maku City.



مطالعه جامعه‌شناختی نقش مداخله‌گرایانه سرمایه اجتماعی در تأثیرگذاری حکمرانی خوب بر

ادراک حق به شهر

(مورد مطالعه شهروندان بالای بیست سال شهر ماکو)^۱

ابراهیم حسین پور رندی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی،

دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

ebrahim3033@gmail.com

محمد عباس زاده (استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز،

ایران، نویسنده مسئول)

m.abbaszadeh2014@gmail.com

محمدباقر علیزاده اقدم (استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز،

تبریز، ایران)

m.alizadeh@tabrizu.ac.ir

صفر حیاتی (استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز،

ایران)

s.hayati90@gmail.com

چکیده

مفهوم حق بر شهر جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی هانری لوفور (۱۹۶۸)، به شرح تأثیر منفی اقتصاد سرمایه‌داری بر شهرها می‌پردازد. براساس این نظریه شهر تبدیل به کالایی شده است که فقط برای انباشت سرمایه به کار می‌رود. وی برای معکوس ساختن این پدیده، از برخورداری ساکنان شهر، از شاخص‌هایی مانند عدالت فضایی، شمولیت اجتماعی، مشارکت شهری، تعلق شهری و ... دفاع می‌کند. تحقیق حاضر با چنین موضعی به بررسی ادراک حق به شهر در بین ساکنین شهر ماکو پرداخته است. روش تحقیق مورد استفاده، پیمایشی و جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شهروندان بالای ۲۰ سال ساکن شهر ماکو به تعداد ۳۳۳۲۸ نفر است که از این تعداد، ۵۰۰ نفر طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران با واریانس به دست آمده از پیش‌آزمونی به تعداد ۵۰ پاسخگو و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. در بررسی فرضیه‌های تحقیق رابطه معنادار آماری بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در دانشگاه تبریز است

حکمرانی خوب شهری اثبات شد. برای برآورد اثرات غیرمستقیم، مستقیم و اثرات کل متغیرهای مستقل بر متغیر ادراک حق به شهر، از تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد متغیر حکمرانی خوب به طور مستقیم، ۵۶ درصد و به صورت غیرمستقیم (از طریق سرمایه اجتماعی) ۱۳ درصد و متغیر سرمایه اجتماعی نیز به طور مستقیم، ۲۵ درصد بر متغیر یاد شده، تأثیرگذار است. با لحاظ اثرات کل حکمرانی خوب ۶۹ درصد بر متغیر ادراک حق به شهر تأثیر گذاشت؛ مجموع متغیرهای مانده در مدل رگرسیونی توانستند ۵۳ درصد از تغییرات متغیر ادراک حق به شهر را تبیین نمایند. در تحلیل نهایی تمرکز بر متغیرهای حکمرانی خوب شهری و سرمایه اجتماعی و تقویت آن‌ها در فضای اجتماعی شهر می‌تواند به رشد و گسترش اصول و شاخص‌های حق به شهر منجر گردد.

واژگان کلیدی: ادراک حق به شهر، سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب شهری، شهر ماکو.

۱. مقدمه

رابطه میان شهر و شهروندان ساکن شهر، متقابل است؛ اگر چه شهرها مظهر مدرنیته و سرآمد فرهنگ و تمدن انسانی هستند؛ اما این مکان‌ها در نقطه مقابل ممکن است باعث از بین رفتن هویت‌های انسانی و تضییع حقوق شهروندان و ساکنان شهر باشند. شهرها در کنار امکانات بی‌شمار خود برای ارتباطات فرهنگی، اجتماعی، مبادلات اقتصادی و ... می‌توانند باعث ناامنی اجتماعی، انواع بیماری‌های روانی، سوءاستفاده، انزوای اجتماعی و مظهر استثمار انسانی باشند. این چهره متفاوت از شهر توسط جامعه‌شناسان، فیلسوفان و نظریه‌پردازانی مانند هانری لوفور^۱ مورد بررسی قرار گرفت و در نظریه «حق به شهر^۲» با مفاهیمی مانند حق مشارکت و حق تخصیص فضای شهری، زمینه آگاهی شهروندان از حقوق خود در شهر را فراهم ساخت.

۱.۱. بیان مسئله

ادراک حق به شهر به معنای احساس تعلق، مشارکت و دسترسی عادلانه به امکانات شهری است که شهروندان براساس آن خواستار بهره‌مندی از فرصت‌ها و فضاهای شهری می‌شوند (لوفور، ۱۹۶۸). این مفهوم، بر مبنای نظریه لوفور، نگاهی به شهر به عنوان فضایی جمعی دارد که

1. Henri Lefebvre

2. Right to the city

در آن افراد از حق دخالت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و بهره‌مندی از منابع برخوردارند. از یک سو سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های اجتماعی، اعتماد و هنجارهایی است که همکاری و همبستگی را در میان افراد جامعه تقویت می‌کند (بوردیو، ۱۹۸۶؛ پوتنام، ۱۹۹۳) و از دیگر سو حکمرانی خوب شهری بر اصولی همچون شفافیت، پاسخگویی، عدالت و مشارکت تأکید دارد و باعث می‌شود شهروندان به نهادهای شهری اعتماد بیشتری داشته و در نتیجه در فرآیندهای شهری مشارکت بیشتری کنند (برنامه اسکان بشر ملل متحد ۲۰۰۲؛ بانک جهانی، ۲۰۰۴).

در بررسی رابطه بین مفاهیم؛ حکمرانی خوب با تقویت شفافیت و عدالت، سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد و باعث بهبود اعتماد و ارتباطات اجتماعی می‌شود. این سرمایه اجتماعی، به نوبه خود، موجب می‌شود شهروندان احساس بیشتری از تعلق و حق خود به شهر داشته باشند که ادراک آن‌ها از حق به شهر را تقویت می‌کند (پوتنام، ۱۹۹۳؛ هاروی، ۲۰۱۲).

۱.۱. اهداف تحقیق

- ۱.۱.۱. بررسی رابطه و میزان تأثیر متغیر حکمرانی خوب بر ادراک حق به شهر.
- ۲.۱.۱. بررسی رابطه و میزان تأثیر متغیر سرمایه اجتماعی بر ادراک حق به شهر.
- ۳.۱.۱. بررسی رابطه و میزان تأثیر متغیر حکمرانی خوب از طریق متغیر سرمایه اجتماعی بر ادراک حق به شهر.

حال سوال اینجاست که چه عواملی بر ادراک حق به شهر در بین شهروندان تأثیر می‌گذارد؟ اگر مقوله حق به شهر می‌تواند به شهروندان برای یک زندگی بهتر کمک کند و آن‌ها را از حقوق خود در شهرها آگاه سازد، شناخت و شناسایی عوامل مؤثر بر آن هم می‌تواند به درک بهتر موضوع و افزایش میزان شاخص‌های این متغیر در جامعه کمک شایانی نماید. به نظر می‌رسد سازه‌هایی مانند حکمرانی خوب شهری و سرمایه اجتماعی می‌توانند بر روی شاخص ادراک حق به شهر تأثیرگذار باشند که در این مطالعه تمرکز بر روی نقش میانجی‌گرایانه سرمایه اجتماعی در تأثیرگذاری حکمرانی خوب شهری بر ادراک حق به شهر بوده است. در شرایطی که مدیریت شهری در چارچوب شفافیت، پاسخگویی و مشارکت شهروندان به کار گرفته شود، حس تعلق و مشارکت عمومی افزایش می‌یابد؛ بنابراین بررسی رابطه بین حکمرانی خوب شهری و ادراک

حق به شهر اهمیت دارد؛ زیرا شهروندان این منطقه برای رفع نیازهای شهری و بهبود کیفیت زندگی به مدیریت کارآمد و شفاف نیاز دارند. از دیگر سو سرمایه اجتماعی با تقویت ارتباطات اجتماعی و انسجام میان مردم، می تواند امکان دستیابی به حقوق شهری را افزایش دهد. با وجود چالش های اقتصادی و اجتماعی در شهرهایی مانند ماکو تقویت سرمایه اجتماعی چه نقشی در بهبود ادراک حق به شهر خواهد داشت؟ و با وارد کردن تأثیر این متغیر بر مدل چه تغییری در روابط و میزان تأثیر حکمرانی خوب شهری و سرمایه اجتماعی بر ادراک حق به شهر خواهد گذاشت؟ این پرسش ها می تواند ضرورت بررسی رابطه بین متغیرهای حکمرانی خوب شهری، سرمایه اجتماعی و ادراک حق به شهر در این پژوهش را توجیه و با کشف روابط احتمالی و میزان تأثیر متغیرها بر هم امکان فراهم نمودن زمینه هایی برای افزایش همبستگی، اعتماد، مشارکت و به تبع آن افزایش میزان ادراک حق به شهر شهروندان ارائه کند. نهایتاً پژوهش حاضر با هدف پاسخ به سوالات زیر انجام شده است:

آیا بین متغیر حکمرانی خوب و ادراک حق به شهر رابطه ای وجود دارد و میزان آن چقدر است؟ آیا بین متغیر سرمایه اجتماعی و ادراک حق به شهر رابطه ای وجود دارد و میزان آن چقدر است؟ رابطه متغیر حکمرانی خوب از طریق متغیر سرمایه اجتماعی بر ادراک حق به شهر چگونه و به چه میزان می باشد؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

۲.۱.۱. پیشینه داخلی

کوزه گر و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی مدیریت شهر اهواز در چهارچوب حکمرانی خوب شهری» به بررسی شاخص های حکمرانی خوب بر مدیریت شهری پرداخته اند. این پژوهش با روش پیمایشی انجام یافته است. براساس نتایج پژوهش فوق مؤلفه مشارکت و عدالت بیشترین تأثیر را بر ارزیابی مدیریت شهری می گذارند.

نوری (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «تحلیل نقش سرمایه اجتماعی در بهبود ادراک حق به شهر» به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در بهبود ادراک حق به شهر پرداخته است. روش پژوهش تحلیل کیفی با مصاحبه‌های عمقی بوده و براساس یافته‌های تحقیق وجود شبکه‌های اجتماعی قوی و اعتماد اجتماعی در جامعه به بهبود درک حق به شهر کمک می‌کند و درک مشارکت در زندگی شهری را تقویت می‌نماید.

محمودی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی در ادراک شهروندی» با روش پیمایشی با استفاده از پرسش‌نامه و تحلیل آماری به بررسی رابطه بین متغیرهای حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی و ادراک شهروندی پرداخته است. براساس نتایج به دست آمده حکمرانی خوب به طور مستقیم بر سرمایه اجتماعی و ادراک مثبت شهروندی تأثیر دارد. سرمایه اجتماعی نیز به عنوان واسطه‌ای قوی در این رابطه نقش داشته و ادراک شهروندی را تقویت می‌کند.

صادقی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی و ادراک حق به شهر به بررسی رابطه بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب شهری با حق به شهر پرداخته است. تحقیق با روش پیمایش و استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام یافته و براساس نتایج به دست آمده سرمایه اجتماعی با افزایش حس مسئولیت‌پذیری و تقویت رابطه شهروندان با نهادهای حکومتی، نقش مهمی در افزایش ادراک حق به شهر دارد.

مقدم و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل تئوری حق به شهر و نقش آن در تحقق حکمروانی خوب شهری در کلان شهر تبریز» به بررسی نقش حکمرانی خوب شهری و حق به شهر پرداخته‌اند. پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام یافته است. این پژوهش تأکید می‌کند که حق به شهر به عنوان یک حق بشری، بر تضمین فرصت‌های برابر و توزیع عادلانه خدمات و امکانات تأکید دارد که می‌تواند به طور مؤثر با حکمرانی خوب شهری پیوند بخورد. در این تحقیق، ارتباط دوسویه میان این دو مفهوم بررسی شده و نتیجه‌گیری می‌شود که حکمرانی خوب می‌تواند به تحقق حق به شهر کمک کند.

معینی فر (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «استیفای حق به شهر در حقوق ایران در پرتو حکمرانی مبتنی بر پایداری» به بررسی متغیرهای حق به شهر و حکمرانی خوب شهری در حقوق ایران پرداخته است. پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال‌هاست که مفهوم، ابعاد و محتوای حق به شهر در حقوق ایران چیست و این حق چه نسبت و رابطه‌ای با حکمرانی مبتنی بر پایداری دارد؟ پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی مبتنی بر پایداری از طریق رفع ابهام‌های مربوط به حق به شهر و ایجاد شرایط مناسب برای استیفای این حق می‌تواند به بهبود وضعیت شهروندان کمک کند.

۲.۱.۲. پیشینه خارجی

ناتانیا مایر و کریستل اوریاکومب^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «حکمرانی خوب شهری و تاب‌آوری شهر: یک رویکرد آفرو-محور به توسعه پایدار» با روش تحلیل اسنادی به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر تاب‌آوری شهر پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش اهمیت حکمرانی خوب شهری را برای تاب‌آوری شهر، به‌ویژه در کشورهای آفریقایی، برجسته می‌کند. این مقاله بر لزوم حمایت حکمرانی شهری از توسعه پایدار و مواجهه با چالش‌هایی همچون شهرنشینی سریع و تغییرات اقلیمی تأکید دارد. نویسندگان استدلال می‌کنند که حکمرانی خوب، جوامع شهری تاب‌آور را شکل داده و در نتیجه شاخص‌های حق به شهر مانند مشارکت شهری و عدالت اجتماعی برجسته می‌شود و در نهایت بر اساس نتایج تحلیل این وضعیت به شهرها کمک می‌کند با چالش‌های آینده سازگار شوند.

فرانچسکو سیکا و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «هستی‌شناسی حکمرانی شهری: چارچوبی برای گذار به توسعه پایدار شهری» با روش تحلیل اسناد و مدارک به بررسی هستی‌شناسی حکمرانی خوب شهری پرداخته‌اند. این مطالعه چارچوب مفهومی را توسعه می‌دهد که حکمرانی شهری را به‌عنوان یک سیستم چندبعدی و پیچیده توصیف می‌کند. این مقاله

1. Meyer, N., & Auriacombe, C. (2019)

2. Sica, F., El Bilali, H., & Pegna, F. (2020)

موضوعات کلیدی در حکمرانی شهری، به‌ویژه در هند را شناسایی کرده و پیشنهاد می‌کند که مدل‌های حکمرانی مؤثر می‌توانند به گذارهای پایدار شهری و تحقق حق به شهر کمک کند.

آولینو و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «ساختارهای حکمرانی شهری برای پایداری و عدالت» با تحلیل بیش از ۱۰۰ پروژه شهری مرتبط با پایداری در اتحادیه اروپا و بررسی ۱۰ پروژه منتخب با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و داده‌های چندین فرآیند حکمرانی، به استخراج الگوهایی که عدالت و پایداری شهری را تقویت می‌کنند، پرداخته‌اند. براساس نتایج پژوهش الگوی حکمرانی، ایجاد چشم‌اندازهای جامع تغییر و مشارکت دادن جوامع محلی که به توسعه پایدار و عادلانه شهری کمک می‌کند را شناسایی کرد.

براساس گزارش برنامه اسکان بشر ملل متحد آذر مورد حکمرانی خوب شهری (۲۰۲۲) اصول حکمرانی خوب شهری مانند شفافیت، پاسخگویی و مشارکت عمومی، موجب تقویت سرمایه اجتماعی و بهبود حق به شهر می‌شود. همچنین، توجه به توسعه پایدار در برنامه‌های شهری می‌تواند کیفیت زندگی شهروندان را افزایش دهد. در گزارش، تأثیر شاخص‌های زیر بر روی سازه حق به شهر برجسته شده است: ۱- مشارکت شهروندان ۲- شفافیت و پاسخگویی ۳- توسعه پایدار ۴- تکنولوژی و نوآوری ۵- مدیریت بحران.

لئون ون دن دول، فرانک هندریکس، آلبرتو^۳ (۲۰۲۳) در کتابی با عنوان جستجوی حکمرانی خوب شهری: تأملات نظری و تمرینات بین‌المللی به بررسی مطالعات موردی جهانی از شهرهایی در آمریکای شمالی، اروپا و آسیا پرداخته و مدل‌های حکمرانی و نتایج آن‌ها را تحلیل می‌کنند. تمرکز کتاب بر تعاملات بین حکومت، کسب‌وکارها و جامعه مدنی است. پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی خوب شهری تعادل میان این تعاملات (حکومت، جامعه مدنی، کسب و کارهای محلی و ...) را حفظ می‌کند تا مدیریت شهری مؤثرتر شود و راه برای تحقق ایده حق به شهر در شهرها باز شود، تمرکز تحقیق به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند بودجه‌بندی مشارکتی، اصلاحات شبکه‌های دموکراتیک و حکمرانی تعاونی بیشتر به چشم می‌خورد.

1. Avelino, F., Wittmayer, J. M., Pel, B., & Weaver, P. M. (2021)

2. UN-Habitat (2022)

3. Van den Dool, L., Hendriks, F., Gianoli, A., & Schaap, L. (2023)

در جمع‌بندی کلی؛ نتایج به دست آمده پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهند که حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی نقش کلیدی در بهبود ادراک حق به شهر و مدیریت شهری دارند. یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌هایی مانند مشارکت، عدالت، شفافیت و پاسخگویی به تقویت سرمایه اجتماعی کمک کرده و تحقق حق به شهر را تسهیل می‌کنند. نوآوری پژوهش کنونی و تفاوت آن با تحقیقات پیشین در بررسی رابطه بین متغیر حکمرانی خوب شهری با تأثیرمتغیر واسطه سرمایه اجتماعی می‌باشد؛ به گونه‌ای که در پژوهش‌های قبلی رابطه متغیرها این گونه بررسی نشده است. نقش سرمایه اجتماعی در حکمرانی شهری و تأثیر متقابل آن بر حق به شهر یکی از جنبه‌های نوآورانه این تحقیق است. سرمایه اجتماعی شامل مؤلفه‌هایی مانند اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای مشترک است که به تقویت تعاملات اجتماعی و مشارکت فعال شهروندان کمک می‌کند. این سرمایه می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر در بهبود حکمرانی شهری عمل کند؛ زیرا زمینه را برای شفافیت، پاسخگویی و مشارکت عمومی گسترده‌تر فراهم می‌کند. سرمایه اجتماعی با افزایش اعتماد بین شهروندان و نهادهای حکومتی، به تقویت پیوندهای اجتماعی کمک کرده و در نتیجه، مشارکت شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری شهری افزایش می‌یابد. این امر با تأثیر بر حکمرانی شهری آن را شفاف و پاسخگوتر می‌کند. از دیگر سو بررسی هم‌زمان نقش سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری و تحلیل تأثیرات آن‌ها بر حق به شهر، بعد تازه‌ای به این روابط پیچیده می‌دهد. برخلاف بسیاری از مطالعات که به‌طور جداگانه به هر کدام از این متغیرها پرداخته‌اند، پژوهش کنونی این دو متغیر را به صورت یک سیستم تعاملی و تأثیرگذار بر یکدیگر در نظر گرفته و چگونگی تأثیر آن‌ها بر ادراک و استیفای حق به شهر را تحلیل می‌کند. در نهایت شرایط اقتصادی و اجتماعی خاص شهر ماکو به‌عنوان یک شهر مرزی و تحت تأثیر فرهنگ، اقتصاد و شرایط خاص اجتماعی مرتبط با همسایگی کشوری با شرایط متفاوت و البته با توجه به تأثیر تحریم‌های بین‌المللی است که کمتر در پژوهش‌های مشابه مورد توجه بوده است.

یکی از نظریه‌های مهم در بررسی روابط بین شهروندان و شهر توسط هانری لوفور مطرح شده است. این نظریه بعد از لوفور (۱۹۶۸) توسط کسانی مانند هاروی^۱ (۱۹۷۳)، پورسل^۲ (۲۰۰۲)، بکینگام^۳ (۲۰۱۱) و ... تکمیل و با ورود آن به مبارزات حقوق شهروندی منجر به تصویب قوانین از رشمندی مانند منشور حمایت از حقوق شهروندان اروپایی و منشور جهانی حق به شهر شد که راه را برای مبارزه و احقاق حقوق شهروندان در برابر قدرت‌های مسلط در شهرها باز کرد و شهروندان را از حقوق خود در شهرها آگاه و نهایتاً توجه به انسان‌ها و رعایت حقوق آنها در شهرها را برای مسئولین امور شهری روشن ساخت.

هانری لوفور در کتاب حق به شهر^۴ این مفهوم را به عنوان یک حق اساسی و ضروری برای تمام شهروندان معرفی می‌کند. او بر این باور است که شهرها نباید صرفاً به عنوان مکان‌های اقتصادی و تجاری مورد توجه قرار گیرند؛ بلکه باید به عنوان فضایی اجتماعی و سیاسی در نظر گرفته شوند که شهروندان در آنها حق دارند به صورت برابر از منابع، فضاها و فرصت‌های شهری بهره‌مند شوند (لوفور، ۱۳۹۳). این به آن معنا است که به شهر باید به عنوان بستر خلق زندگی روزانه ساکنان نگریسته شود که در آن رویه‌های زندگی روزانه‌شان بازآفرینی می‌شود (عظیمی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۷). از دید هاروی، «حق به شهر» به معنای حق جمعی برای بازتولید و بازساختن شهرها براساس نیازهای اجتماعی، نه براساس منافع سرمایه‌داری است. او معتقد است که این حق باید به عنوان بخشی از مبارزات اجتماعی در برابر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی تعریف شود (هاروی، ۱۳۹۲).

با لحاظ نظریات لوفور و هاروی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر تحقق حق به شهر، حکمرانی مطلوب شهری است. رابطه بین متغیرهای یاد شده، موضوعی کلیدی در مطالعات اجتماعی و شهری است. حکمرانی خوب شهری شامل اصولی مانند شفافیت، پاسخ‌گویی، مشارکت عمومی و عدالت اجتماعی است که به بهبود زندگی شهروندان و دسترسی عادلانه به فضاهای شهری

1. Harvey

2. Purcell

3. Buckingham

4. Right to the city

کمک می‌کند (میجر و بولیوار^۱، ۲۰۱۶) در پژوهش‌های اخیر، مشخص شده است که حکمرانی خوب شهری می‌تواند به تقویت حقوق شهروندان برای بهره‌مندی از امکانات شهری و مشارکت فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری منجر شود. شفافیت در مدیریت شهری و فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب برای مشارکت عمومی، یکی از مهم‌ترین عواملی است که به شهروندان امکان می‌دهد تا حق خود به شهر را به‌درستی تجربه کنند (برنامه اسکان بشر ملل متحد^۲، ۲۰۲۲). همچنین، مطالعات نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه‌های اعتماد و ارتباطات میان افراد، در شهرهایی که حکمرانی خوب را رعایت می‌کنند، تقویت می‌شود. سرمایه اجتماعی به افزایش مشارکت مدنی و تقویت حق به شهر منجر می‌شود؛ زیرا شهروندان با اعتماد بیشتر به نهادهای شهری و تعامل با یکدیگر، نقش فعال‌تری در فرآیندهای شهری ایفا می‌کنند (سمپسون و رادنبوش^۳، ۱۹۹۹)، به‌ویژه در مناطق شهری که قوانین و سیاست‌های محلی به تقویت مشارکت عمومی و شفافیت اداری توجه دارند، شهروندان به منابع شهری دسترسی بهتری پیدا کرده و از فضای شهری به صورت عادلانه‌تری استفاده می‌کنند.

بنابراین، حکمرانی خوب شهری نه تنها بهبود وضعیت شهری و خدمات آن را تضمین می‌کند؛ بلکه حق به شهر را به‌عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان، با تکیه بر شفافیت، مشارکت عمومی و تقویت سرمایه اجتماعی تقویت می‌کند. این نوع حکمرانی بر اصولی چون مشارکت عمومی، شفافیت، پاسخ‌گویی و کارآمدی تأکید دارد. نظریه‌های مربوط به حکمرانی خوب، مانند نظریات هابرماس^۴، بر این نکته تأکید می‌کنند که سرمایه اجتماعی قوی (شبکه‌های اعتماد و مشارکت) با حکمرانی در ارتباط است (میجر و بولیوار، ۲۰۱۶)؛ بنابراین در جوامعی که حکمرانی خوب شهری برقرار است، سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود؛ زیرا شهروندان احساس اعتماد بیشتری به نهادهای حکومتی دارند و در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری مشارکت

1. Meijer, A., & Bolívar, M. P. R

2. UN-Habitat

3. Sampson, R. J., & Raudenbush, S. W

4. Habermas

بیشتری می‌کنند (پوتنام^۱، ۱۹۹۳)؛ در همین راستا، بوردیو^۲ نیز معتقد است که سرمایه اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا به منابع واقعی یا بالقوه و قدرت‌های مختلف دسترسی پیدا کنند (بوردیو، ۱۹۸۶). همین سرمایه اجتماعی با رابطه متقابلی که با حکمرانی دارد، خود تحقق حق به شهر را تسهیل می‌نماید (سمپسون و رادنبوش، ۱۹۹۹). با توجه به بررسی حاصل از نتایج پژوهش‌های پیشین خارجی و داخلی از منظر تئوریک، حکمرانی خوب شهری می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی منجر شود و این سرمایه اجتماعی به نوبه خود تأثیر مثبتی بر ادراک حق به شهر خواهد داشت. به عبارت دیگر، مشارکت فعال و مؤثر شهروندان در حکمرانی شهری که یکی از اصول حکمرانی خوب است، از طریق تقویت سرمایه اجتماعی به بهبود حق به شهر منجر می‌شود. این رابطه در شهرهایی که شفافیت و مشارکت عمومی در سیاست‌های شهری مورد تأکید قرار دارد، به وضوح مشاهده می‌شود.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در تحقیق حاضر، پیمایشی است. از لحاظ زمانی تحقیق از نوع مقطعی و از نظر هدف کاربردی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه شهروندان بالای بیست سال ساکن شهر ماکو مجموع آنها براساس آمارهای به دست آمده از سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی، فرمانداری و شبکه بهداشت و درمان ماکو در سال ۱۴۰۲ برابر با ۳۳۳۲۸ نفر است که از این تعداد با لحاظ واریانس متغیر وابسته در مرحله مطالعه مقدماتی بر روی ۵۰ نفر، تعداد ۵۰۰ نفر با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. با توجه به اینکه شهر ماکو از نوع شهرهای طولی می‌باشد؛ بنابراین تقسیم‌بندی مناطق و محلات شهر از ورودی جنوبی شهر تا خروجی شمالی به هفت منطقه پژوهش تقسیم شد و براساس جمعیت موجود در هر منطقه شهر نمونه‌ها به نسبت از مناطق مختلف انتخاب گردید (جدول شماره ۱).

1. Putnam

2. Bourdieu

جدول ۱. اطلاعات مربوط به حجم جامعه آماری مناطق شهر و نمونه آماری

منبع: مطالعه حاضر

نمونه آماری		جامعه آماری		محلها و مناطق منتخب ماکو
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۹/۲	۹۶	۱۹/۹۹	۶۶۶۵	بشگوز تا مدرسه ابتدایی پیش ساخته
۱۱/۴	۵۷	۱۱/۰۱	۳۶۷۰	یادبود تا سه راه بانک ملی
۱۴/۴	۷۲	۱۳/۹۸	۴۶۶۱	چهارراه مرکزی تا شیرباشی
۱۵	۷۵	۱۵/۰۱	۵۰۰۳	اول بلوار تا آخر بلوار
۱۸	۹۰	۱۸/۰۳	۶۰۱۰	مسکن تا فلکه شیر
۲۲	۱۱۰	۲۱/۹۶	۷۳۱۹	شهرک ولیعصر
۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۳۳۳۲۸	مجموع

۲.۳. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

۱.۲.۳. حکمرانی خوب شهری

تعریف مفهومی: حکمرانی خوب شهری به مجموعه‌ای از اصول و رویه‌ها اشاره دارد که شامل شفافیت، پاسخگویی، مشارکت عمومی و عدالت اجتماعی در مدیریت شهری است و به بهبود کیفیت زندگی شهروندان و دسترسی عادلانه به منابع و خدمات شهری کمک می‌کند (میجر و بولیوار، ۲۰۱۶؛ هابیتات، ۲۰۲۲).

تعریف عملیاتی: حکمرانی خوب شهری از طریق شاخص‌هایی مانند حاکمیت قانون، شفافیت، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شهری، پاسخ‌گویی نهادهای مدیریتی، مسئولیت‌پذیری و کارایی و اثربخشی مورد سنجش قرار گرفته است.

۲.۲.۳. سرمایه اجتماعی

تعریف مفهومی: سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های اعتماد، ارتباطات و هنجارهای اجتماعی میان افراد یک جامعه است که موجب تسهیل همکاری و مشارکت مدنی در امور اجتماعی و شهری می‌شود. سرمایه اجتماعی به ایجاد حس اعتماد و همبستگی میان شهروندان و مشارکت

فعال آنان در فرایندهای تصمیم‌گیری کمک می‌کند (پوتنام، ۱۹۹۳؛ بوردیو، ۱۹۸۶؛ سمپسون و رادنبوش، ۱۹۹۹).

تعریف عملیاتی: سرمایه اجتماعی در این پژوهش از طریق شاخص‌هایی مانند شبکه‌های روابط اجتماعی (گسترده‌گی شبکه‌های اجتماعی)، اعتماد نهادی، مدنی (میزان اعتماد به نهادهای حاکمیتی و دولتی) و اعتماد بین شخصی (میزان اعتماد عمومی میان شهروندان)، اندازه‌گیری شده است.

۳.۲.۳. حق به شهر

تعریف مفهومی: حق به شهر به معنای دسترسی و مشارکت برابر همه شهروندان در استفاده و تصمیم‌گیری درباره فضاها و منابع شهری است. این مفهوم بر پایه اصولی مانند عدالت فضایی، شمول اجتماعی و توانمندسازی شهروندان برای بازپس‌گیری و شکل‌دهی شهر براساس نیازها و خواسته‌های اجتماعی آنان بنا شده است (لوفور، ۱۹۹۶؛ هاروی، ۲۰۰۸).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق حق به شهر از طریق شاخص‌های عدالت فضایی، شمولیت اجتماعی، حق شهروندیت شهری، تعلق شهری، سرزندگی شهری و حق سلامت شهری مورد سنجش قرار گرفته است.

در مبحث اتکاء نظری فرضیه‌های تحقیق می‌توان به نظریه‌های زیر ارجاع و استناد نمود:

ادراک حق به شهر بر گرفته از نظریه‌های هانری لوفور (۱۹۶۸) و دیوید هاروی (۱۹۷۳)

حکمرانی خوب شهری از نظریه‌های میجر و بولیوار (۲۰۱۶) و هایبئات (۲۰۲۲)

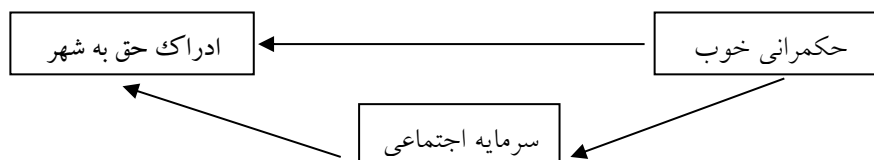
سرمایه اجتماعی برگرفته از نظریه‌های بوردیو (۱۹۸۶) و پوتنام (۱۹۹۳).

با لحاظ مبانی نظری و تجربی بررسی شده و مدل تحلیلی؛ فرضیه‌های زیر طرح شد:

۱. بین متغیر حکمرانی خوب و ادراک حق به شهر رابطه وجود دارد.

۲. بین متغیر سرمایه اجتماعی و ادراک حق به شهر رابطه وجود دارد.

۳. متغیر حکمرانی خوب از طریق متغیر سرمایه اجتماعی بر ادراک حق به شهر تأثیر دارد.



شکل ۱. تبیین ادراک حق به شهر براساس متغیرهای مستقل

منبع: یافته های پژوهش

۳.۳. اعتبار و پایایی تحقیق

باجمع بندی نظریه ها و پیشینه های بررسی شده و پس از تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق برای برآورد اعتبار ابزار اندازه گیری از اعتبار محتوایی و برآورد پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان داد که ضرایب پایایی حاصله در بازه قابل قبولی بوده اند (جدول شماره ۲).

جدول ۲. نتایج پایایی گویه های متغیرهای مورد بررسی

منبع: یافته های پژوهش

متغیر	شاخص	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی کل
ادراک حق به شهر	مشارکت شهری	۹	۰/۷۹	۰/۹۵
	عدالت فضایی	۱۳	۰/۸۸	
	شمولیت اجتماعی	۷	۰/۸۴	
	حق شهروندیت شهری	۳	۰/۷۰	
	حق متفاوت بودن	۳	۰/۷۲	
	تعلق شهری	۹	۰/۹۰	
	سرزندگی شهری	۱۸	۰/۸۶	
	حق سلامت شهری	۱۶	۰/۹۳	
حکمرانی خوب	حاکمیت قانون	۴	۰/۸۳	۰/۸۹
	شفافیت	۴	۰/۹۱	
	مشارکت در تصمیم گیری	۳	۰/۸۱	

متغیر	شاخص	تعداد گویه	ضرب آلفای کرونباخ	ضرب پایایی کل
	پاسخگویی	۵	/۷۰	
	مسئولیت‌پذیری	۴	/۸۸	
	کارایی و اثر بخشی	۳	/۸۰	
سرمایه اجتماعی	شبکه روابط اجتماعی	۳	/۷۱	/۸۷
	اعتماد بین فردی	۳	/۷۳	
	اعتماد نهادی مدنی	۱۱	/۹۲	

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. آمارهای توصیفی پژوهش

براساس یافته‌های توصیفی پژوهش؛ از تعداد ۵۰۰ نفر پاسخگو ۲۴۷ نفر (۴۹/۵ درصد) مرد و ۲۵۳ نفر (۵۰/۵ درصد) زن می‌باشند. میانگین سنی پاسخگویان مطالعه ۳۷/۴ سال با انحراف استاندارد ۱۱/۵۹ مشاهده شده است. براساس نتایج به دست آمده از بین شاخص‌های حق به شهر شاخص‌های مشارکت شهری و تعلق شهری با میانگین ۳/۷۱ دارای بیشترین و شاخص شمولیت اجتماعی ۲/۸۵ دارای کمترین میانگین می‌باشند. سایر یافته‌های توصیفی تحقیق در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش

متغیر	زیر شاخص‌ها	تعداد	درصد
پاسخگویان	زن	۲۵۳	۵۰.۵
	مرد	۲۴۷	۴۹.۵
وضعیت تاهل	مجرد	۱۵۶	۳۱.۲
	متاهل	۳۴۱	۶۸.۲
	مطلقه	۳	.۶
تحصیلات	دیپلم و زیر دیپلم	۲۰۵	۴۱.۳
	کاردانی و کارشناسی	۲۵۵	۵۱.۴
	ارشد و دکتری	۳۶	۷.۳

متغیر	زیر شاخص‌ها	تعداد	درصد
محلات	بشگوز تا مدرسه پیش ساخته	۹۶	۱۹.۲
	یادبود تا سه راه بانک ملی	۵۷	۱۱.۴
	چهارراه مرکزی تا شیرباشی	۷۲	۱۴.۴
	اول بلوار تا آخر بلوار	۷۵	۱۵
	مسکن تا فلکه شیر	۹۰	۱۸
	شهرک ولیعصر	۱۱۰	۲۲

۲.۴. آمارهای استنباطی پژوهش

برای بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق از آزمون‌های آماری مرتبط با سطوح سنجش متغیرها استفاده شد. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای وابسته و مستقل در جدول شماره ۴ به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۴. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای ادراک حق به شهر با حکمرانی خوب

شهری و سرمایه اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون پیرسون	ادراک حق به شهر
حکمرانی خوب شهری	ضریب همبستگی
	۰/۶۹
سرمایه اجتماعی	سطح معنی داری
	۰/۰۰۰
ضریب همبستگی	۰/۵۲
	سطح معنی داری
	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول شماره ۴ ضریب همبستگی بین متغیر حکمرانی خوب شهری با ادراک حق به شهر ۰/۶۹ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ کمتر از سطح معنی داری ۰/۰۰۱ بوده؛ بنابراین بین دو متغیر حکمرانی خوب شهری و ادراک حق به شهر رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و ادراک حق به شهر ۰/۵۲ و سطح

معنی‌داری ۰/۰۰۰ کمتر از سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ بوده؛ بنابراین بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و ادراک حق به شهر رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

۳.۴. تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر

هدف از انجام تحلیل رگرسیونی، تعیین سهم و تأثیر متغیرهای مستقل در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (ادراک حق به شهر) است. قبل از اجرای آن پیش‌فرض‌هایی چون خطی بودن رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته ($\text{sig}=0/4$)، استقلال خطاها از همدیگر ($1/69$)، نرمال بودن توزیع داده‌ها ($\text{sig}=0/09$) و عدم خطی (عامل تورم واریانس = $1/32$) مد نظر قرار گرفت. نتایج تحلیل رگرسیون در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. آمارهای تحلیل رگرسیون متغیرهای حکمرانی خوب شهری و سرمایه اجتماعی بر ادراک حق به شهر

منبع: یافته‌های پژوهش

متغیر	بتای استاندارد شده	T	Sig	هم خطی چند گانه	آنالیز واریانس		ضریب همبستگی چند گانه	۷۲۸/
				عامل تورم واریانس (VIF)	کمیت F	سطح معنی داری		
حکمرانی خوب	۵۶۸/		۰/۰۰۰	۱/۳۲	۲۱۵/۵۵	۰/۰۰۰	ضریب تبیین	۵۳۰/
							ضریب تبیین اصلاح شده	۵۲۸/
			اشتباه معیار برآورد	۳۴۲/				
			دوربین واتسون	۱/۶۹				
			سطح معنی داری آزمون کولموگروف- اسمیرنف =	۰۹۱/				

براساس نتایج تحلیل رگرسیونی می توان گفت که به ترتیب متغیر حکمرانی خوب و سپس سرمایه اجتماعی بر متغیر وابسته تأثیر داشته اند. متغیرهای مذکور توانسته اند ۵۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

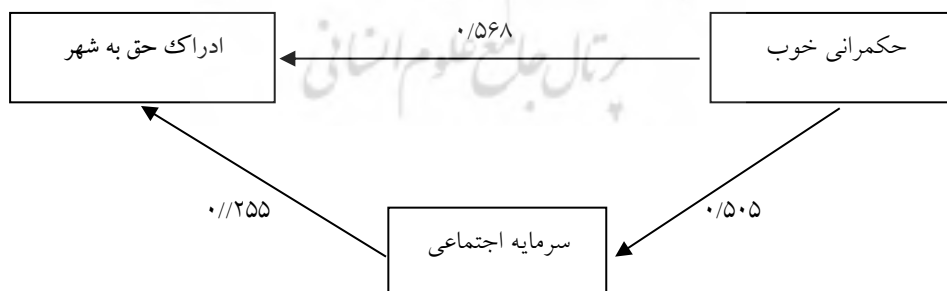
براساس تفسیر معادله رگرسیون؛ مقدار بتای استاندارد ۵۶۸ برای متغیر پیش بین حکمرانی خوب شهری نشان می دهد که اگر به میزان ۱ واحد به متغیر حکمرانی خوب افزوده شود، به میزان ۵۶۸ واحد بر میزان ادراک حق به شهر شهروندان افزوده خواهد شد. از دیگر سو اگر به میزان ۱ واحد به متغیر پیش بین سرمایه اجتماعی اضافه شود، به میزان ۲۵۵ واحد بر متغیر ملاک ادراک حق به شهر افزوده خواهد شد.

برای برآورد اثرات غیرمستقیم، مستقیم و اثرات کل متغیرهای مستقل بر متغیر ادراک حق به شهر از تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج در جدول شماره ۶ و شکل شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۶. بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر ادراک حق به شهر

منبع: یافته های پژوهش

اثر کل	نوع اثر		متغیرهای مستقل
	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	
۰/۶۹۶	۰/۱۲۸	۰/۵۶۸	حکمرانی خوب
۰/۲۵۵	-	۰/۲۵۵	سرمایه اجتماعی



شکل ۲. تبیین ادراک حق به شهر براساس متغیرهای مستقل

منبع: یافته های پژوهش

حکمرانی خوب با اثر مستقیم ۰/۵۶۸ نشان می‌دهد که این متغیر به‌طور مستقیم تأثیر مثبت و قابل‌توجهی بر متغیر وابسته دارد. بدان معنا که افزایش حکمرانی خوب به‌طور مستقیم به بهبود ادراک حق به شهر یا متغیر وابسته دیگر منجر می‌شود. اثر غیرمستقیم حکمرانی خوب برابر با ۰/۱۲۸ و بیانگر این است که حکمرانی خوب همچنین از طریق متغیری میانجی (در اینجا، سرمایه اجتماعی) تأثیر مثبتی بر متغیر وابسته دارد. این اثر نشان می‌دهد که بخشی از تأثیر حکمرانی خوب به‌واسطه افزایش سرمایه اجتماعی حاصل می‌شود. اثر کل: مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم حکمرانی خوب برابر با ۰/۶۹۶ است که نشان‌دهنده اهمیت حکمرانی خوب در بهبود متغیر وابسته است. سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۲۵۵ بر روی ادراک حق به شهر دارای اثر مستقیم است. این عدد نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی نیز به‌طور مستقل تأثیر مثبتی بر متغیر وابسته دارد؛ اما این اثر در مقایسه با اثر کل حکمرانی خوب کمتر است.

در جمع‌بندی کلی از تفسیر جدول شماره ۶ و شکل شماره ۲؛ متغیر حکمرانی خوب به‌طور مستقیم ۰/۵۶۸ درصد و به صورت غیرمستقیم و از طریق سرمایه اجتماعی ۰/۱۲۸ بر متغیر ادراک حق به شهر تأثیر داشته است. متغیر سرمایه اجتماعی نیز به‌طور مستقیم، ۰/۲۵۵ بر متغیر یاد شده تأثیرگذار بوده است. نتایج آزمون با لحاظ اثرات کل نشان می‌دهد که متغیر حکمرانی خوب به میزان ۰/۶۹۶ بر متغیر وابسته تأثیرگذار بوده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

براساس نظریه لوفور انباشت سرمایه در جوامع سرمایه‌داری معاصر در نهایت به نفع شهروندان تمام نشده و حق بر شهر آنان مورد غفلت واقع می‌شود. با حرکت جوامع و خصوصاً شهرها از جامعه سنتی به سوی مدرن در سال‌های اخیر شاهد افزایش حضور اجتماعی شهروندان در عرصه‌های عمومی مانند انجمن‌های صنفی، کانون‌ها و تشکل‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)، دانشگاه‌ها و محیط‌های مختلف کاری، تجاری، جمع‌های دوستانه، مراودات روزمره و... هستیم. این حضور پررنگ شهروندان در فضاهای مختلف شهری در کنار فضاسازی فیزیکی، بافت معماری و... به ایجاد تغییرات گسترده‌ای در فرهنگ عمومی استفاده از این فضاها و حق هر شهروند در آن دارد.

در بررسی به عمل آمده ضمن اثبات فرضیه اول؛ تأثیر مستقیم متغیر حکمرانی خوب شهری بر روی متغیر وابسته ادراک حق به شهر در بین شهروندان بالای بیست سال شهر ماکو تایید شد. بنابراین با در نظر گرفتن پیشینه و چهارچوب نظری رابطه بین دو متغیر؛ اثبات این رابطه در پژوهش میدانی و تجربی نشان داد که توجه بیشتر به حکمرانی خوب شهری و مواردی مانند مشارکت شهروندان در امور شهری، پاسخگویی مسئولان در برابر شهروندان و مسئولیت پذیری آنان می تواند بر روی ادراک حق به شهر شهروندان تأثیر مثبتی گذاشته و باعث افزایش تعلق آنان به شهر و بالا رفتن شاخص های حق به شهر گردد. در مرحله بعد با وارد شدن متغیر سرمایه اجتماعی در تحلیل تأثیر آن بر رابطه دو متغیر قبلی بررسی و مورد اندازه گیری قرار گرفت. ضمن تایید رابطه بین دو متغیر و تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی ادراک حق به شهر کوشش شد تا با آزمون های رگرسیون و تحلیل مسیر میزان این تأثیر به صورت غیرمستقیم و از طریق سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب شهری و سپس ادراک حق به شهر مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی به ترتیب متغیرهای حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته گذاشته و متغیرهای مذکور توانسته اند ۵۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. طبق نتایج آزمون تحلیل مسیر تأثیر مستقیم متغیرهای حکمرانی خوب شهری به اندازه (۰/۵۶۸) بر روی متغیر وابسته ادراک حق به شهر در بین شهروندان بالای بیست سال شهر ماکو اثبات شد. در مرحله بعد با وارد شدن متغیر سرمایه اجتماعی (۰/۲۵۵) در تحلیل تأثیر آن بر رابطه دو متغیر قبلی (۰/۶۹۶) مورد اندازه گیری قرار گرفت و ۶۹ درصد از تغییرات ادراک حق به شهر از طریق متغیر حکمرانی خوب شهری با تأثیر غیرمستقیم سرمایه اجتماعی اندازه گیری شد. بنابراین تمرکز بر متغیرهای حکمرانی خوب شهری و سرمایه اجتماعی و تقویت آن ها در فضای اجتماعی شهر می تواند به رشد و گسترش اصول و شاخص های حق به شهر منجر گردد. براساس نتایج پژوهش و با در نظر گرفتن کلیه ابعاد و جوانب موضوع مانند روش کمی با رویکرد اثباتی، توجه به پیشینه تحقیق، روش ها و نتایج به دست آمده، چهارچوب نظری، روش شناسی و نتایج حاصل از داده های تحقیق پیشنهادات کاربردی براساس فرضیه ها را می توان بدین گونه مطرح کرد:

براساس فرضیه اول تحقیق که رابطه بین متغیرهای حکمرانی خوب و ادراک حق به شهر اثبات شد و نشان داد که افزایش میزان حکمرانی خوب شهری بر روی ادراک حق به شهر در بین شهروندان تأثیر مثبت داشته است. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود مسئولین و تصمیم‌گیران شهر از جمله سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی ماکو، فرمانداری، شهرداری (به‌طور خاص در محدوده بررسی این پژوهش) و در سایر شهرها اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری‌ها، پروژه‌ها و هزینه‌ها را به طور شفاف در دسترس عموم قرار دهند. شفافیت می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و تقویت ادراک حق به شهر در بین شهروندان منجر شود. بالا رفتن میزان مشارکت مردم در اداره امور شهر از جمله مشارکت و همچنین پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری مقامات مسئول در برابر شهروندان نقش مثبتی بر ارتقای شاخص حکمرانی خوب شهری داشته و بالا رفتن شاخص ادراک حق به شهر در بین شهروندان را در پی خواهد داشت.

طبق نتایج به دست آمده از رابطه مثبت و معنادار بین متغیر سرمایه اجتماعی و ادراک حق به شهر می‌توان با تقویت گروه‌ها و شبکه‌های محلی از طریق ایجاد برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی که شهروندان را گرد هم بیاورد، با بالابردن اعتماد شهروندان به همدیگر، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی را افزایش داد و افزایش این شاخص موجب تقویت ادراک حق به شهر خواهد شد.

در بررسی فرضیه سوم و اثبات تأثیر حکمرانی خوب شهری بر روی سرمایه اجتماعی و تأثیر این دو متغیر بر ادراک حق به شهر پیشنهاد می‌شود، سیاست‌های شهری در شهرها به‌نحوی طراحی و اجرا شوند که عدالت در دسترسی به منابع و خدمات شهری برای همه شهروندان تضمین شود تا با افزایش اعتماد و انسجام اجتماعی در رابطه مثبت بین متغیرهای حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی به تقویت متغیر ادراک حق به شهر منجر شود. همچنین حمایت از برنامه‌های محلی که به مشارکت و همیاری میان شهروندان می‌پردازد، مانند برنامه‌های داوطلبانه جمع‌آوری کمک‌های مردمی، حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد، صندوق‌های حمایت از افراد بی‌بضاعت و... هم می‌تواند به تقویت پیوندهای اجتماعی و افزایش تأثیر سرمایه اجتماعی در ارتباط با حکمرانی خوب منجر شود.

نهایتاً اگر چه حق به شهر به عنوان یکی از دستاوردهای مهم مدرنیته در احقاق حقوق شهروندی محسوب می‌شود؛ اما در بررسی تجربی و در سطوح میدانی و عملیاتی در متن شهرها به نظر می‌رسد این نظریه هنوز در راهیابی از سطوح نظری به روابط انسانی، اجتماعی، حقوقی شهر مورد مطالعه و سایر شهرها با مشکل مواجه است و برنامه‌ریزان و مسئولین شهری از جمله مدیران منطقه آزاد ماکو هنوز آن چنان که باید و شاید بر اهمیت این سازه مهم و عوامل مؤثر بر آن از جمله حکمرانی خوب شهری و سرمایه اجتماعی واقف نیستند.

کتابنامه

۱. آرای، و؛ قاسمی، ا؛ و معینی‌فر، ی. (۱۳۹۶). توصیه‌های سیاستی موانع تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در اداره امور عمومی (مطالعه موردی: فرمانداری و شهرداری شهرستان مینودشت). *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، ۷(۲۵)، ۱۱۳-۱۳۳.
۲. ابراهیمی، م؛ علوی، ع؛ مشکینی، ا؛ و صدری، ح. (۱۳۷۸). رهیافتی نو در توسعه شهری مبتنی بر رویکرد حق به شهر. *دانش شهرسازی*، ۶(۲)، ۶۱-۸۵.
۳. اشتیاقی، م؛ شارع‌پور، م؛ و فاضلی، م. (۱۳۹۹). مطالعه پدیدارشناختی تجربه زیسته شهروندان تهرانی از مضامین حقوق شهروندی (مطالعه موردی: حمل‌ونقل عمومی شهر تهران). *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۷(۲)، ۹۱-۱۲۳.
۴. پورمحمدی، م؛ روستایی، ش؛ و خضرنژاد، پ. (۱۳۹۸). بررسی نقش حق به شهر بر احساس تعلق در میان گروه‌های جنسیتی (مطالعه موردی: فضاهای عمومی ارومیه). *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه ریزی شهری*، ۱۷(۱)، ۱-۱۹.
۵. پیری، ا؛ قلی‌پور، س؛ و امیری، ن. (۱۳۹۸). حق بر شهر محله صادقیه در کلان شهر کرمانشاه. *مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*، ۲(۲)، ۶۸۷-۷۱۲.
۶. تمجیدی، ز؛ زرآبادی، ز؛ و حبیب، ف. (۱۴۰۱). تحلیل مؤلفه‌های ارتقاء کیفیت فضاهای شهری برای کودکان با رویکرد حق به شهر (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلان شهر تهران). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۴(۴)، ۱۴۹۱-۱۵۰۹.
۷. حبیبی، م؛ و امیری، م. (۱۳۹۴). حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه که هست و آنچه که باید باشد. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران (نامه علوم اجتماعی)*، ۵(۲)، ۳۰-۹.

۸. حیدری، ف؛ و زارعی، م. (۱۳۹۸). مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با طراحی شهری شهروندمدار؛ تطبیق هنجارهای جامع بیان‌گر شهروندمداری با شاخصه‌های کیفی طراحی شهری. منظر، ۱۱(۴۶)، ۲۳-۱۴.
۹. حیدری، م؛ محمدی، ش؛ و رحمانی، م. (۱۴۰۰). پایش نظریه حق به شهر در بازتولید فضای شهر دوستدار سالمند (مطالعه موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان). پژوهش‌های جغرافیایی انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)، ۵۳(۱)، ۱۹۵-۲۱۲.
۱۰. خدایاری مطلق، ص؛ شارع‌پور، م؛ و تولایی، ن. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر (مورد مطالعه: شهر بابلسر). مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴(۹)، ۱۸۹-۲۲۵.
۱۱. خسروی، ح. (۱۳۹۵). حق بر محیط زیست سالم در پرتو حکمرانی مطلوب. اخلاق زیستی، ۶(۲۰)، ۱۲۷-۱۴۴.
۱۲. داداش‌پور، ه؛ و شجاعی، د. (۱۴۰۱). کاربست پارادایم انتقادی در فهم عدالت فضایی در حاشیه کلانشهر تهران مورد مطالعه: اسلامشهر و شهر قدس. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی ۲۷(۱)، ۱۹-۳۳.
۱۳. دارکش، م؛ و استرکی، س. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی طرح‌های شهری از منظر حق به شهر (نمونه موردی: طرح شهری نواب-گسترش مترو در محله بریانک). جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۲(۳)، ۱-۲۵.
۱۴. دانش‌پایه، ن؛ و زرکانی، س. (۱۴۰۲). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری با تأکید بر گفتمان حق به شهر (نمونه موردی: شورای اسلامی شهرستان شهریار). چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی و معماری دانش بنیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۱۵. رشیدی، ه. (۱۴۰۳). بررسی مفهوم عدالت اجتماعی و حق به شهر در ساختار شهر ایرانی اسلامی (تهران). هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات جهانی در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، تهران.
۱۶. رفیعیان، م؛ و الوندی‌پور، ن. (۱۳۹۴). مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر در جستجوی مدلی مفهومی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۶(۲)، ۲۵-۴۷.

۱۷. زارع‌شاه‌آبادی، ا؛ بنیاد، ل؛ و غلامی، م. (۱۳۹۹). بررسی رابطه حق به شهر و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد. *فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۰ (۳۹)، ۱۰۹-۱۲۴.
۱۸. سنایی، م؛ وفادارسورکی، ر؛ و عاطفی، ک. (۱۴۰۱). سنجش افتراقات فضایی تحقق حق به مشارکت و اختصاص دهی شهر به خود در پرتو اندیشه حق به شهر در شهر هچیرود-شهرستان چالوس. *برنامه‌ریزی و توسعه محیط شهری*، ۲ (۵)، ۴۵-۶۰.
۱۹. صفری، م؛ شماعی، ع؛ موحد، ع؛ و شاه‌حسینی، پ. (۱۳۹۹). تأثیر حضور در فضای زنانه بر حق زنان به شهر با نقش تعدیل‌گر انگیزه (مورد مطالعه: پارک‌های بانوان شهر اصفهان). *توسعه محلی، روستایی-شهری (توسعه روستایی)*، ۱۲ (۲)، ۴۱۵-۴۴۵.
۲۰. عظیمی‌هاشمی، م؛ رضوی‌زاده، ن؛ و جوان‌جعفری، ع. (۱۳۹۳). منشورهای شهری؛ بستر تحقق حق شهرنشینی. *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۲ (۱۱)، ۵۱-۷۶.
۲۱. فرح‌زاد، م؛ رفیعان، م؛ کامیابی، س؛ و ارغان، ع. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر. *تحقیقات جغرافیایی*، ۳۳ (۱) (پیاپی ۱۲۸)، ۹۵-۱۰۸.
۲۲. فنی، ز؛ و احمدی، ل. (۱۳۹۹). زنان و جست‌و جوی حق به شهر در پیاده‌راه‌های جنسیتی (مورد مطالعه: منطقه ۶ شهرداری تهران). *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ۱۵ (۱)، ۷۱-۱۰۰.
۲۳. کاظمیان، غ؛ و معصومی‌فر، ا.ح. (۱۳۹۸). تحلیل محتوایی و رویه‌ای حق بر شهر در قوانین شهری و شهروندی ایران. *صفه*، ۲۹ (۳)، ۸۳-۱۰۰.
۲۴. کتابچی، ع؛ و ولی‌بیگی، م. (۱۳۹۹). نقش حق بر شهر در ارتقاء حقوق شهروندی. *مجله معماری‌شناسی*، ۳ (۱۶)، ۱-۱۴.
۲۵. کوزه‌گر، ل؛ آدینه‌وند، ع؛ علیان، م؛ و نظری، ن. (۱۳۹۵). ارزیابی مدیریت شهر اهواز در چارچوب حکمرانی خوب شهری؛ تلاش در راستای نیل به مدیریت پایدار. *معماری و شهرسازی پایدار*، ۴ (۲)، ۱-۱۶.
۲۶. لوفور، ه. (۱۳۹۳). *ماتریالیسم دیالکتیکی*. (آ. ترکمه، مترجم). تهران: تیسرا.
۲۷. محمدی، م؛ و کاظمی، ک. (۱۳۹۹). بازخوانی یک طرح شهری با بهره‌گیری از انگاره حق به شهر-مجتمع تجاری عرش آجودانیه تهران. *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، ۵ (۱۵)، ۸۹-۱۱۷.

۲۸. مرشدی، ب؛ قائدرحمتی، ح؛ افتخاری، ص؛ رکن‌الدین، ع؛ و مشکینی، ا. (۱۴۰۱). حق به شهر و الگوی برنامه‌ریزی مشارکتی (تحلیلی بر تولید اجتماعی فضاهای شهری با تأکید بر مجتمع‌های بزرگ تجاری کلان‌شهر تهران). نشریه جغرافیا و توسعه، ۲۰(۶۶)، ۱-۳۴.

۲۹. معینی‌فر، م. (۱۴۰۳). استیفای حق به شهر در حقوق ایران در پرتو حکمرانی مبتنی بر پایداری. فضای شهری و حیات اجتماعی، ۳۰(۹)، ۱-۱۰.

۳۰. مقدم، م؛ پورمحمدی، م؛ و روستایی، ش. (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل تئوری حق‌به‌شهر و نقش آن در تحقق حکمروائی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز. مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۷(۴)، ۸۴۷-۸۶۴.

۳۱. مؤمن‌کیائی، م؛ پروین، س؛ و عادلین‌راسی، ح. (۱۳۹۹). موانع سالمندی فعال براساس مفهوم حق به شهر یک مطالعه کیفی در شهر کرج. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۹(۱)، (پیاپی ۳۱)، ۴۰-۵۶.

۳۲. نصیری‌آملی، ر؛ حقیقتیان، م؛ و عباسی‌اسفجیر، ع. (۱۴۰۱). تعلق شهری و حق به شهر، مورد مطالعه: جوانان شهر آمل. نشریه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۱۰(۲)، ۱۵۸-۱۸۱.

۳۳. هاروی، د. (۱۳۹۲). مدیریت و جغرافیای جهانی شدن. (ح. رحمتی، مترجم). تهران: آشیان.

۳۴. هاروی، د؛ و مریفلد، ا. (۱۳۹۱). حق به شهر، ریشه‌های شهری بحران‌های مالی. (خ. کلانتر، مترجم). تهران: مهر ویستا.

۳۵. یغفوری، ح؛ و کاشفی‌دوست، د. (۱۳۹۷). ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق به شهر (نمونه موردی: شهر پیرانشهر). فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳۵)، ۵۷-۶۸.

36. Avelino, F., Wittmayer, J. M., Pel, B., & Weaver, P. M. (2021). Urban governance arrangements for sustainability and justice. *Urban Transformations*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1007/s40558-021-00190>.

37. Brown, S. (2020). The right to the city and social inclusion: Challenges for urban policy. *Journal of Urban Policy*, 22(2), 105-123.

38. Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. Greenwood. 241-258.

39. Çakır, A. (2000). The right to the city and sustainable urban development: A case study of Turkish cities. *Journal of Urban Studies*, 22(4), 245-268.

56. Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*.
57. Putnam, R. D. (1993). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton University Press.
58. UN-Habitat. (2022). Good urban governance: Global report. United Nations Human Settlements Programme.
59. Urban Affairs Association. (2024). Exploring social equity in urban utility systems: Addressing disparities in access and efficiency. Paper presented at the Urban Affairs Association Annual Meeting. European Commission.
60. Sampson, R. J., & Raudenbush, S. W. (1999). Systematic social observation of public spaces: A new look at disorder in urban neighborhoods. *American Journal of Sociology*, 105(3), 603-651.
61. Sica, F., El Bilali, H., & Pegna, F. (2020). The ontology of urban governance: A framework for pathways to sustainable urban transition. *Urban Science*, 4(2), 38. <https://doi.org/10.3390/urbansci8020038>.
62. Van den Dool, L., Hendriks, F., Gianoli, A., & Schaap, L. (2023). The quest for good urban governance, Theoretical reflections and international practices. Springer.